



درس بیست و دوم

سوره انعام: آیات (۷۱ - ۷۶)

درس بیست و دوم
سوره انعام: آیات (۷۱ - ۷۶)

نکات مهم آیات:

۱. «معبود واقعی» آن است که قادر به رساندن سود

یا زیان باشد؛ در حالی که بت‌ها چنین نیستند؛

۲. وسوسه‌های شیطان، سبب «حیرت و سردرگمی»

می‌شود؛

۳. لازمه «تسلیم خدا بودن»، رعایت «تقوا» است که

مصدق کامل آن «اقامه نماز» است؛

۴. «هدفمندی نظام آفرینش»، به ضرورت و اثبات

«قیامت» می انجامد؛

۵. خدایی که «مالک» و هم «مَلک: فرمانروا»ی

عالم هستی است، صاحب قدرت مطلق است؛

۶. خدایی که «عالم به غیب و شهادت» است، دارای

«علم مطلق» نیز هست؛

۷. خداوند، ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم

ع نشان داد تا به «مرتبه یقین» برسد.

لغات درس بیست و دوم

يَنْفَعُنَا:	ما را سود می‌رساند	كُنْ:	باش
يَضُرُّنَا:	ما را زیان می‌رساند	فَيَكُونُ:	پس می‌شود
نُرَدُّ:	بر می‌گردیم	الْمُلْكُ:	پادشاهی، فرمانروایی
أَعْقَابِنَا:	گذشتگان ما، پیشینیان ما	يُفْخِ:	دمیده می‌شود
هَذَا:	ما را هدایت کرد	الصُّور:	شیپور، ناقور
اسْتَهْوَتْهُ:	او را به پستی کشاند	الشَّهَادَةِ:	آشکار
اِثْنًا:	به سوی ما بیا	أَيَّهِ:	پدرش
أَقِيمُوا:	به پا دارید	آزَرَ:	نام پدر حضرت ابراهیم ع
تُحْشَرُونَ:	محشور می‌شوید	أَتَتَّخِذُ:	آیا می‌گیری
رَأَى:	دید	كَوْكَبًا:	ستاره‌ای
الْأَفْلِينَ:	غروب‌کنندگان	لَمَّا:	هنگامی که
أَصْنَامًا:	بت‌ها	نُرَى:	نشان دادیم
آلِهَةً:	معبودها، خدایان	لِيَكُونَ:	تا باشد
أَرَاكَ:	تو را می‌بینم	الْمُوقِنِينَ:	یقین‌کنندگان
مُبِين:	آشکارکننده	جَنَّ:	پرده افکند، پوشانید
كَذَلِكَ:	این گونه	أَفَلَ:	غروب کرد، ناپدید شد

❖ آیه ۷۱: قُلْ أَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَتُرَدُّ عَلَيَّ أَعْقَابُنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأُمِرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه: بگو آیا به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می‌رساند و نه زیانی، و آیا پس از این که خدا ما را هدایت کرده، از عقیده خود بازگردیم، مانند کسی که شیطان‌ها او را در بیابان از راه به در برده‌اند و حیران [بر جای مانده] است؟! برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت می‌خوانند که به سوی ما بیا، بگو هدایت خداست که

هدایت [واقعی] است و دستور یافته‌ایم که تسلیم
 پروردگار جهانیان باشیم.

تفسیر:

این آیه، احتجاج و استدلال بر مشرکان است با لحن
 استفهام انکاری^۱.

قُلْ اَنْدَعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَّلَا يَضُرُّنَا : بهترین
 راه برای جذب مردم به عبادت خدا و اثبات ربوبیت
 الله، بیان انگیزه‌های عبادت است که قرآن به سه
 مورد اشاره کرد: ۱. جلب منفعت؛ ۲. ترس از ضرر؛
 ۳. علاقه به معبود. این آیه، دو مورد اول را بازگو
 کرده و آنگاه بیان می‌کند که این دو مورد در

پرستش بت‌ها وجود ندارد؛ یعنی بت‌ها، نه سودی به خود و دیگران می‌رسانند و نه توان دارند ضرر برسانند. آنگاه نتیجه می‌گیرد که پرستش بت‌ها کار عاقلانه‌ای نبوده و باید دست از شرک و بت پرستی بردارند.^۲

اما در آن سو، خدای متعال قرار دارد که راهنمایی او موجب نجات و آسایش است^۳ و بر تنبیه ظالمان، تواناست؛ حال اگر امر دایر باشد میان پذیرش «دعوت خدا»، که بر منفعت و ضرردهی قادر است و دعوتش براساس فطرت است و «دعوت شیطان به

۲. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۴۸.

۳. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۴۴.

بت پرستی»، البته پذیرش «عبودیت خدا» راه نجات خواهد بود.^۴

وَنُرَدُّ... حَيْرَانَ لَهُ: در این آیه، پیامبر ص مأمور است که به مشرکان بت پرست بگوید: بازگشت ما از پرستش خدا به سوی پرستش بت‌ها، کار عاقلانه‌ای نیست؛ زیرا این نوعی عقبگرد و حرکت ضد تکاملی است که نتیجه آن سرگردانی است و آرزوی همیشگی شیطان بوده و هست.^۵

أَصْحَابُ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ أَيْنَمَا: رحمت الهی شامل حال مشرکان نیز هست؛ بر همین پایه، دوستان هدایت یافته‌ای را در کنار مشرکان قرار می‌دهد تا

۴. المیزان، ج ۷، ص ۲۰۶.
 ۵. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۴۸ - ۵۵۰.

آنها را از حیرت گمراهی که آنان شیطان به وجود آورده، درآورند و ایشان را به سوی خدا و توحید فرا خوانند؛ ولی افسوس که حاضر نیستند خود را از سیطره شیطان رها کرده، به ولایت خدا درآیند.^۶

یک شبهه و جواب آن

شبهه: از عبارت «نُرد علی اعقابنا: آیا برگردیم به گذشته خود؟»، فهمیده می‌شود که پیامبر ص قبل از بعثتش، مشرک بوده است و اینک حاضر نیست عقبگرد کند!

جواب: ۱. این فراز از آیه از زبان مسلمین است، نه از زبان شخص پیامبر ص و لذا با صیغه جمع آمده

است.^۷ ۲. به فرض که شخص پیامبر ص هم جزء گویندگان این عبارت باشد، تعبیر «برگشت به گذشته» در باره ارتداد اصطلاحی نیست، بلکه یک تعبیر عرفی و برگرفته از فرهنگ محاوره است؛ گویا آن حضرت با توجه به عبارت (بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ : پس از آن که خدا ما را هدایت کرد، می‌فرماید: اکنون که خدا ما را از ابتدای تولدمان و براساس هدایت فطری به سوی خود هدایت کرده است، صحیح نیست که به آیین شرک درآییم.^۸

انواع هدایت:

۷. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۹۸.

۸. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۵۰ - ۵۶۰.

۱. سیاقی: یعنی شخص «هادی» از مردم می‌خواهد به خوبی‌ها عمل و از بدی‌ها پرهیز کنند؛ ولی لازم نمی‌بیند که خودش هم چنین باشد.

۲. قیادی و الگویی: یعنی شخص هادی پیشاپیش همه حرکت می‌کند و قبل از مردم، خودش به دستورات هدایت بخش عمل می‌کند، تا مردم از او الگوی نیکو بگیرند. کلمه (اِئْتَا) به منظور الگوگیری بیان شده است.^۹

إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى : کسی شایسته هدایتگری است که خود ذاتاً هدایت یافته باشد و به هدایت دیگران محتاج نباشد و او فقط خداست و سپس انبیا و اولیای الهی که به او نزدیکند. از آنجا که خدا، هم

مبدأ است و هم مقصد، روش صحیح پیمودن مبدأ تا مقصد را فقط او باید بیان کند که البته از طریق پیامبران بیان کرده است.^{۱۰}

وَأْمُرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ : بشر باید همگام با مجموعه نظام هستی، تسلیم محض پروردگار جهان باشد و دلیل آن عبارت (رَبِّ الْعَالَمِينَ) است. ضمناً «اسلام» در آیه، به معنی تسلیم محض فرمان خدا بودن است، نه اسلام اصطلاحی.^{۱۱}

□ آیه ۷۲: وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ

تُحْشَرُونَ

۱۰. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۶۰ - ۵۶۶.

۱۱. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۶۰ - ۵۶۶.

ترجمه: و این که نماز برپا دارید و از او بترسید، و هم اوست که نزد وی محشور خواهید گردید.

تفسیر:

لازمه «توحید» و «ربّ العالمین بودن خدا»، تسلیم محض است که در آیه قبل اشاره کرد و اینک نیز می گوید: لازمۀ «تسلیم خدا بودن»، عبادت کردن اوست که مهم ترین آن، «اقامه نماز» است و پیام آن، «خویشتن داری»؛ یعنی «اطاعت» و «دوری از گناه» است. راز استحکام رابطه مخلوق با خالق، همین دو مورد (نماز و تقوا) است.^{۱۲}

به عبارت دیگر، کسی که «تسلیم محض» باشد، باید «تقوا» پیشه کند، یعنی اعمال دینی را انجام دهد و یکی از مهم‌ترین مصادیق تقوا و اعمال دینی، «نماز» است، که آیه به آن تصریح کرده است.^{۱۳}

وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ: وقتی بازگشت و حشر همه شما به سوی خدا باشد و حساب و کتاب شما به دست اوست، جا دارد که تسلیم او شده از غضبش بترسید.^{۱۴}

۱۳. المیزان، ج ۷، ص ۲۰۷.

۱۴. المیزان، ج ۷، ص ۲۰۸.

❖ آیه ۷۳: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ
وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ
يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ
الْخَبِيرُ

ترجمه: و او کسی است که آسمانها و زمین را به
حق آفرید و هر گاه که می گوید باش! بی درنگ
موجود شود. سخنش راست است و روزی که در
صور دمیده شود فرمانروایی از آن اوست؛ داننده
غیب و شهود است و اوست حکیم آگاه.

تفسیر:

در اینجا پاره‌ای از اسماء و صفات خدا ذکر شده و غرض از ذکر آن بیان مطلب قبلی و تعلیل آن است؛ زیرا نخست فرمود هدایت صحیح آن است که او هدایت کند. آنگاه همین هدایت را به طور اجمال تفسیر کرد به تسلیم شدن در برابر دستورهای خدا و نماز و تقوا که خلاصه فشرده جمیع احکام دیگر دین است. آنگاه دلیل این معنا را که چگونه هدایت او هدایتی است که نمی‌توان از قبولش شانه خالی کرد، چنین فرمود: چون حشر همه به سوی او است^{۱۵}؛ یعنی اثبات هدفمند نظام آفرینش، لزوم وقوع قیامت را در پی دارد. این آیه به منظور اثبات

هدفمندی مذکور، از کلمه «بالحق» استفاده کرده است، به این صورت که: حق عبارت است از هدفمندی نظام آفرینش؛ یعنی آسمان‌ها و زمین.^{۱۶}

وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ: پس از «اثبات معاد» به چگونگی تحقق قیامت و ظرف تحقق آن اشاره می‌کند، بنابراین می‌فرماید: زمان تحقق قیامت (یَوْمَ)، هنگامی است که خدا به نظام آخرت فرمان دهد (كُنْ : باش!)، پس قیامت نیز بی نیاز از مقدمه و ابزار، برپا می‌گردد: (فَيَكُونُ). علاوه این که عبارت مذکور بیانگر آن است که تدبیر نظام آخرت، -

همانند نظام هستی دنیوی ، با اراده الهی و بی
استمداد از وسایل صورت می گیرد.^{۱۷}

وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ : این عبارت در پی بیان «مالک بودن
خدا: یعنی صاحب ملک» و «ملک بودن خدا: یعنی
صاحب ملک و فرمانروایی» می باشد. بدیهی است
چنین خدایی «صاحب قدرت مطلق» نیز خواهد
بود.^{۱۸}

يُنْفَخُ فِي الصُّورِ : در روایت پیامبر ص است که
«صور» شاخی است از نور، که اسرافیل آن را به
دهان می گیرد و می دمد.^{۱۹} این دمیدن، دو بار
صورت می گیرد: بار اول همه خلایق از بین می روند

۱۷. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۷۴ - ۵۸۰.

۱۸. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۷۴ - ۵۸۰.

۱۹. روان جاوید، ج ۲، ص ۳۳۷.

و بار دوم همگی زنده می‌شوند و روح‌ها به بدن‌ها باز می‌گردد. با دمیدن اول، عمر این جهان خاتمه می‌یابد و بار دوم، جهان آخرت آغاز می‌شود.^{۲۰}

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ : برای تحقق معاد، دو صفت الهی باید تجلی یابد: ۱. قدرت مطلق: که در فراز قبلی گفته شد؛ ۲. علم مطلق: زیرا او عالم به غیب و شهادت است. همچنین خداوند «حکیم و کاردان» و «خبیر و آگاه به اعمال بندگان» است و ظهور این دو صفت به منظور حسابرسی دقیق و پاداش یا کیفر عادلانه در قیامت، لازم است.^{۲۱}

۲۰. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۴۷.

۲۱. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۸۵ - ۵۹۰.

□ □ آیه ۷۴: وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ

أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

ترجمه: و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر

خود آزر گفت: آیا بتان را خدایان [خود] می-

گیری؟ من همانا تو و قوم تو را در گمراهی

آشکاری می بینم.

تفسیر:

از این آیه تا ده آیه بعد به داستان زندگی و مبارزات

و استدلال‌های قهرمان توحید، «حضرت ابراهیم ع»

پرداخته است. در این آیات، خداوند حجتی ذکر

می‌کند که آن را به ابراهیم ع داده بود و عالی‌ترین

و کامل‌ترین مصداق ایمان و قیام به دین فطرت و

نشر عقیده توحید است و این همان هدف مقدسی است که آن حضرت برای آن قیام کرد.^{۲۲}

علت بازگویی مناظره‌های حضرت ابراهیم ع با بت - پرستان، به خصوص آزر، برای پیامبر اسلام ص، به علت تشابه آن ها به مشرکان بت پرست حجاز است.^{۲۳}

أَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً : بت پرستان گروه های مختلفی بودند و هر یک بت خاصی داشتند، از این رو در آیه به صورت «أَصْنَامًا آلِهَةً» یعنی جمع، آمده است. از این نظر مراد آیه، نفی اصل بت پرستی است، نه نفی پرستش تعداد بت‌ها.^{۲۴}

۲۲. المیزان، ج ۷، ۲۲۱.
 ۲۳. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۱، ۳۲.
 ۲۴. تسنیم، ج ۲۵، ص ۳۱، ۳۲.

قَوْمَك: این تعبیر بیانگر آن است که «آزر» سمت سرپرستی گروهی از بت پرستان را داشته است. همچنین، قبل از این که آن حضرت با قاطعیت و صریح با آزر و بت پرستان سخن بگوید، بارها با زبان نرم و پرسش های منطقی و بی جواب، با آنها سخن گفته بود.^{۲۵}

پرسش و پاسخ

سؤال: آیا «آزر» پدر ابراهیم ع بود؟

پاسخ: گرچه برخی از مفسران اهل سنت، آزر را پدر حضرت ابراهیم ع می دانند، ولی همه مفسران شیعه معتقدند که پیامبران الهی، از پدر و مادر مشرک تولد نمی یابند. کلمه «أب» در لغت عربی، علاوه بر

این که بر پدر اطلاق می شود، بر عمو، جد مادری و
 مربی هم اطلاق می گردد.^{۲۶} ضمن این که مفسران
 می گویند که ابراهیم ع از پدر اصلی اش با نام «والد»
 یاد کرده و در اواخر عمرش برای او آمرزش
 خواسته است.^{۲۷} در حالی که ابراهیم ع پیش از آن
 از آزر تبری کرده بود در آیه (وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ
 إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ
 عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ)^{۲۸}

۲۶. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۰۳.

۲۷. تفسیر، ج ۲۵، ص ۳۱، ۳۲.

۲۸. سوره توبه، آیه ۱۱۴.

□ آیه ۷۵: وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ

ترجمه: و این گونه ملکوت آسمانها و زمین را
به ابراهیم نمایانیدیم تا از جمله یقین کنندگان
باشد.

تفسیر:

«ملکوت» از ریشه «مُلک، بر وزن حکم»، به معنی
«حکومت» است. اضافه شدن «و» و «ت» به منظور
تأکید و مبالغه است. بنابراین، آیه می‌فرماید:
حکومت مطلقه خداوند بر سراسر عالم هستی
گسترده است. این آیه مجملی است از قضایایی که

در آیات بعد ذکر می گردد و سپس به شرح آنها خواهد پرداخت.^{۲۹}

وَكَذَلِكَ: درباره محور تشبیه دو احتمال است: ۱. همان گونه که بطلان بت پرستی را برای ابراهیم ع روشن ساختیم، همان طور هم ملکوت آسمان و زمین و وابستگی آنها به خدا را به او نشان داده و خواهیم داد تا به یقین برسد و محکم و استوار با بت-پرستان احتجاج کند.^{۳۰} ۲. همان گونه که ملکوت را به پیامبر اسلام ص نشان دادیم، قبل از این هم، آن ملکوت را به ابراهیم ع نشان داده ایم.^{۳۱}

۲۹. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۰۸، ۳۰۹.

۳۰. تسنیم، ج ۲۶، ص ۷۰-۷۹؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۴۰.

۳۱. تسنیم، ج ۲۶، ص ۷۰-۷۹.

نُری: دیدن گاهی با «بصر: چشم» است و گاهی با «بصیرت: قلب و شهود». در دیدن با بصر، نیاز به ابزاری مانند چشم و نور است و در دیدن با بصیرت محتاج به قلب و روحی پاک. حجاب بصر، عدم نور و نابینایی است و حجاب بصیرت، گناه.^{۳۲}

مَلَكُوت: ملکوت هر چیزی، حقیقت، زمام و هویت آن است. بنابراین خداوند حقیقت و هویت موجودات را برای ابراهیم ع آشکار ساخت تا به عظمت سلطنت خدا بر عالم هستی پی ببرد.^{۳۳}

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: وقتی قرآن عبارت «آسمان‌ها و زمین» را به کار می‌برد، مقصودش «تمام عالم و نظام

۳۲. تسنیم، ج ۲۶، ص ۷۰ - ۷۹.

۳۳. تسنیم، ج ۲۶، ص ۷۰ - ۷۹؛ روان جاوید، ج ۲، ص ۳۳۹.

هستی» است، نه قسمتی از آن. پس خدا به ابراهیم ع
 ، نشان داد که زمام امور تمام هستی به دست
 اوست.^{۳۴}

وَلَيَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤَقِّنِينَ : ارائه ملکوت به ابراهیم ع او
 را به یقین می‌رساند و با این یقین می‌توانست سخنان
 یقین آور بزند و دیگران را به یقین خود فراخواند.
 کسانی را که با شهود به یقین نرسیده‌اند، می‌توان با
 برهان عقلی به یقین رساند.^{۳۵}

۳۴. تسنیم، ج ۲۶، ص ۷۰ - ۷۹.

۳۵. تسنیم، ج ۲۶، ص ۷۰ - ۷۹.

□ آیه ۷۶: فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا
قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ

ترجمه: پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌ای دید، گفت: این پروردگار من است. و آنگاه چون غروب کرد، گفت: غروب کنندگان را دوست ندارم.

تفسیر:

هَذَا رَبِّي: چرا حضرت ابراهیم ع فرمود: این «ستاره» خدای من است؟ آیا در مقطعی از زمان - نعوذُ بالله - چنین بوده است؟! حضرت این جمله را برای «جدال احسن» با مشرکان به کار برده است. در چنین

مناظره‌هایی، می‌توان با مقدمات مورد قبول خصم او را محکوم کرد.^{۳۶} بر این پایه، وقتی ستاره غروب کرد، فرمود: غروب کنندگان را دوست ندارم؛ یعنی آن‌ها را عبادت نمی‌کنم؛ چون انتقال و استتار، دلیل بر حدوث و فقر است؛ در حالی که معبود واقعی آن است که ثابت و غنی باشد.^{۳۷}

لَا أَحَبُّ الْآفِلِينَ : محبت گاهی برخاسته از «احساسات» و گاهی ناشی از «خیر و منفعت» است. برخلاف نوع اول، نوع دوم دارای پیشخوانه عقلی است و می‌توان در مباحث عقلی به کار گرفت. محبت به خدا از نوع دوم است. برهان محبت در این

۳۶. تسنیم، ج ۲۶، ص ۹۲ - ۱۰۵.

۳۷. روان جاوید، ج ۲، ص ۳۴۰.

آیه، عقلانی است؛ زیرا ستارهٔ افول کننده منفعتی
جهان شمول برای من و جهانیان ندارد، پس محبت
خدا و عدم محبت ستاره، ناشی از وجود و عدم
منفعت است.^{۳۸}